

# جوانان حکمتیست ۱۶

سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

سرمدبیر: فواد عبداللهی foadsjk@yahoo.com  
دبیر سازمان: بهرام مدرسی bahramsjk@yahoo.com



۲۴ آذر ۱۳۸۳ - ۱۴ دسامبر ۲۰۰۴ www.sjk-hekmatist.com سه شنبه ها منتشر می شود!

## ۱۶ آذر ۸۳ یک بیان کوتاه!

را بعنوان نماینده دولت اسلامی و نه نماینده یک جناح "خوب" در رژیم علنا دادگاهی کردند که این جواب جوانان به کل موجودیت رژیم اسلامی بود تا بنا شعارهای اصلی این اعتراضات در درجه اول شعار "آزادی، برابری" و "نان و آزادی برای همه" بودند که بیانگر کل فضای اعتراضی میان جوانان و دانشجویان است و به دنبال طرح شعار آزادی و



بهرام مدرسی  
دبیر سازمان جوانان  
کمونیست - حکمتیست

امسال رژیم اسلامی تلاش زیادی کرد که ۱۶ آذر امسال رنگ اعتراض دانشجویان را بخود نگیرد اگر میگویم رژیم، منظوم هم بسیج دانشجویی است و هم انجمنهای اسلامی، هم ولی فقیه و تمام دم و دستگاه امنیتی رژیم و هم رئیس جمهورشان خاتمی، همه تلاش کردند که این روز تنها بادی از "سه شهید هورایی" باشد و بس. این از یکطرف و از طرف دیگر باید به شرایطی اشاره کرد که اینها از پیش از سالگرد ۱۸ تیر بر جامعه حاکم کردند تلاش داشتند که فضای خفقان و سرکوب را در ۱۶ آذر هم حاکم کنند اوضاع بین المللی هم به نظر من بخشی از کل آن شرایط سیاسی است که ما ۱۶ آذر امسال را در آن گذراندیم فشارهای بین المللی بر رژیم و موقعیت های جدید رژیم اسلامی در عراق برای معامله با دولتهای غربی توازن قوایی دیگر را برای همه بوجود آورد هم مردم و هم رژیم ۱۶ آذر امسال به نظر من دانشجویان از کل این شرایط استفاده لازم را کردند و به اعتراضی در سطح کل کشور شکل دادند که همه را کیش و مات کرد اولاً خاتمی

برابری در سال گذشته در همین روز، طرح مجدد این شعار امسال دیگر تحکیم موقعیت این شعار در جنبش اعتراضی جوانان است اگر سال گذشته کسی میتوانست با ناپوری به این شعار نگاهی بیاندازد، امسال دیگر این شعار اصلی و تبیین اصلی از خواستههای جوانان و دانشجویان را به دست داد دامنه اعتراضات دانشجویان به وسعت کل آن مملکت بود و البته دانشگاه تهران مثل همیشه جایگاه ویژه ای را دارد که شاید به همین جهت خاتمی به آنجا رفت.

به انجمنهای اسلامی باید یکبار دیگر پرداخت این انجمنها امسال بیش از سال گذشته به همه ثابت کردند که یکی از ارگانهای فعال رژیم اسلامی در دانشگاه ها هستند و به حق امسال هم مورد تنفر وسیع دانشجویان قرار گرفتند در دانشگاه ها و دانشکده های مختلف مورد

اعتراض شدید دانشجویان قرار گرفتند و طبق معمول با استفاده از کل موجودیت رژیم اسلامی و ممنوع بودن تشکل های دیگر دانشجویی، سعی کردند بعنوان یکی از تنها فراخوان دهندگان مراسمهای

این روز وجهه ای برای خود دست و پا کنند اوج تلاش اینها دعوت از خاتمی در دانشکده فنی تهران و سالن چمران بود شما شاید تاکنون فیلمهای اعتراض جوانان به خاتمی را دیده باشید این ها صحنه های برخورد رو در رو جوانان با مسولین این رژیم اسلامی است یک لحظه تصورش را بکنید که اگر فشار حاکمیت این رژیم اسلامی نبود، جوانان با نمایندگان این رژیم چه میکردند و نه تنها اینها با مدافعان این حاکمان چه میکردند؟ این درست همان احساسی است که شما از

چهره خاتمی و نمایندگان انجمنهای اسلامی که در ردیفهای اول نشسته بودند در سالن چمران میبینید یکی دیگر از ویژگی های ۱۶ آذر امسال گستردگی آن و به میدان آمدن جوانان و دانشجویان در

دانشگاه های شهرهای مختلف کردستان بود شعارهای دانشجویان در دانشگاه تهران، شعارهای دانشجویان در شهرهای سنندج، میوان، سقز، کامیاران و غیره بودند شعارها واحد بودند و این یکی از بیلتزهای شورنگیز ۱۶ آذر سال ۸۳ بود دانشجویان در کردستان امسال ناسیونالیسم کرد و مدافعان دوم خرداد را عقب راندند این دستاورد را در کنار دستاوردهای دیگر این ۱۶ آذر باید گسترش داد

به تکرار شعار رفتارند در بعضی از تظاهراتها هم باید اشاره ای کرد کل "استقبالی" که دانشجویان از خاتمی کردند، بیانگر موضع جوانان و دانشجویان نسبت به کل پروژه "اصلاح" رژیم بود آنها به خاتمی



## خاتمی دود شد!

واقعیات اجتماعی جامعه ایران دارد ریشه در بن بست سیاسی و ایدئولوژیک، اقتصادی و فرهنگی این رژیم و تلاش جامعه ایران برای عبور از تونل رژیم اسلامی دارد ریشه در سکولاریسم و مدرنیسم و موج عظیم ضد مذهبی و قوانین دست و پا گیر مذهبی و نفی دخالت کتافات اسلام در زندگی



فواد عبداللهی

جوانان و دانشجویان و زنان دارد ریشه در به میدان آمدن میلیونی نسل نوین و تازه نفس جوانان دختر و پسر و یک جنبش عظیم سرنگونی طلب و آزادیخواه برای نفی ارکان اسلامی دارد ریشه در سیر اضمحلال و تلاشی رژیم اسلامی و بی افقی و شکست اجزاء تشکیل دهنده آن دارد ۱۶ آذر نشان داد که نیروی دانشجویان و جوانان کمونیست و آزادیخواه صاحب چه پتانسیل عظیمی از رهبری است این نیرو نماینده سیاسی خود را پیدا خواهد کرد. این نیرو حکمتیسم را به جلوی صحنه سیاست در ایران خواهد راند

مشاور رئیس جمهور گفتند "مهمترین دستاورد حضور خاتمی در جمع دانشجویان در روز ۱۶ آذر را آمادگی ایشان برای شنیدن انتقاداتی بود که تشکل های دانشجویی آن را در فضایی قاعده مند و چارچوب دار به زبان آوردند"

این احمق ها خودشان می دانند که این سیاست ها فقط حال جوانان و دانشجویان را بهم می زند مگر خاتمی دود نشد، که این عالیجنابان هنوز دست از این مانور "دموکرات" مآبی و تمجید از این مهره سوخته نظام بر نمی دارند!! این سیاست ها ریشه در تناقضات بنیادی نظام جمهوری اسلامی با

# زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

## مصاحبه واحد خبری سقز با یکی از زنان آزادیخواه که به حکمتیسمها پیوست!



داریوش اسد لطفاً خلاصه ای از بیوگرافی خودتان را برای ما بیان کنید؟

لیلا من لیلا هستم متولد سال ۱۳۵۸ ساکن سقز که از خانواده ای نسبتاً فقیر و زحمتکش به دنیا آمده ام و خاطرات چندان خوبی از دوران مجردی خودم ندارم که در طول مصاحبه به آن اشاره میکنم اکنون دو سال است که ازدواج کرده ام و از زندگی ام راضی هستم

داریوش اسد اشاره به دوران مجردی کردید، در این خصوص براینمان بگو؟

لیلا متأسفانه از دوران مجردی خاطرات جالبی ندارم در چهار چوب خانواده ای با عقاید مذهبی/ سنتی تحمیل شده، زندگی می کردم. زندگی که از تنفس اکسیژن انسانی تهی بود و هر روز بایستی با بوی تعفن عقب ماندگی و فرهنگ مرد سالاری دست و پنجه نرم می کردم محرومیت، بی حقوقی، تو سری خوری و تبعیض از جمله نرم هایی بود که در خانواده من اعمال می شد در این فضا احساس میکردم که زن بودن یعنی باید همیشه تحت فرامین مردان بود خلاصه وار بیان کنم که آزادی بیان/ عقیده و حق انتخاب را نداشتیم اما خوشبختانه با ازدواجم از اسارت هیولای اسلام و مذهب آزاد شدم

داریوش اسد اشاره کردید که آزادی انتخاب نداشتید، چطور شد که ازدواج کردید؟

لیلا رابطه جنسی یک نیاز است، نیازی همانند خوردن و پوشیدن و نوشیدن! من موافق آزادی کامل روابط جنسی هستم سکس طبیعی ترین، نرمال ترین و انسانی ترین روابط بین زن و مرد در جامعه است. جمهوری اسلامی دختران و پسران را مجبور به پذیرش یک مناسبات عقب افتاده و ریاکارانه کرده است مسئله بر سر این است که جوانان آزادی جنسی می خواهند، می خواهند بتوانند راحت با دوست پسر و دوست دخترشان رابطه داشته باشند این جزو حق مسلم آنهاست و باید به رسمیت شناخته شود باید تمام فشارهای اخلاقی و فرهنگی که مانع آنست

داریوش اسد اشاره کردید که آزادی انتخاب نداشتید، چطور شد که ازدواج کردید؟

داریوش اسد برای اینکه جوانان از این محدودیت خلاص یابند چکار باید کرد؟

لیلا به نظر من تنها راهش این است که در برابر حکومت ایستادگی کرد و به زانویش در آورد برای این کار هم

داریوش اسد اشاره کردید که آزادی انتخاب نداشتید، چطور شد که ازدواج کردید؟

لیلا حقیقتش این است با آن

### ۱۶ آذر ۸۳ یک بیان کوتاه!

گفتند که شعارهایش دروغی بیش نیستند این هم بیلانی کوتاه در یک روز پر هیجان از کل خواست اصلاح رژیم در حضور رئیس جمهور رژیم اسلامی بود نمیتوان به این بیان کوتاه باور داشت و خواهان اصلاح قانون اساسی هم بود، چیزی که مدافعان امروز شعار فراندم میخواهند نمیتوان به اصلاح قانون اساسی باور داشت اما اصلاح کل رژیم اسلامی را یک دروغ دانسته. تکرار شعار فراندم نه از سر باور به اصلاح رژیم و نه از سر طرفدار "اصلاح قانون اساسی" بودن، بود.

دلیل آنرا باید از بکار افتادن کل دستگاه تبلیغاتی همان اپوزیسیونی باید دانست که دیروز پشت سر خاتمی صف کشیده بودند، از بی بی سی تا بقیه شان تکرار شدن این شعار در بعضی اوقات هم بیانگر ضعفی است که جنبش مردم برای سرنگونی هنوز با خود حمل میکند ضعفی که حزب حکمتیسمتها بارها به آن اشاره داشته است بحران رهبری! ۱۶ آذر ۸۳ موقعیتها و امکانات جنبش رادیکال و چپ مردم را در کنار ضعفهای آن بخوبی نشان داد اما گلی بود که دانشجویان به نمایندگی جنبش اعتراضی مردم زدند و این خود به اندازه کافی شورانگیز بود!

جوانان به یک سازمان و پرچم روشن سیاسی احتیاج دارند که نماینده رادیکالیسم واقعی آنها باشد یک جنگی شروع شده، یک جنگی بین جوانان و کلیت جمهوری اسلامی. جنگی که ابعادش فقط فرهنگی نیست. یک جنگ تمام عیار فرهنگی، سیاسی، اجتماعی با جمهوری اسلامی. بیست و شش سال است که قوانین قرون وسطایی حاکم است و امروز جوانان در یک شرایط سیاسی ویژه این جنگ را شروع کرده اند در عرصه فرهنگی به رژیم اسلامی "نه" می گویند و تا آنجا که زورشان می رسد دارند ارزشهای خورشان را می آورند و ارزشهای قدیم را زیر پا له می کنند در عرصه سیاسی، آزادیهای سیاسی بسیار بیشتری را می خواهند در عرصه اقتصادی تأمین اجتماعی و زندگی آینده شان را می خواهند و این را چه با چه خیابان آمدن و چه در مدارس و چه در دانشگاهها و محلات ابراز می دارند این جنگ نوید بخش یک آینده روشن و شیرین برای جامعه ایران است.

داریوش اسد چه پیامی برای جوانان دارید؟

لیلا پیام من به جوانان اینست اگر خواهان آزادی و دنیای بهتر هستید فرصت را غنیمت شمرده و با اتحاد و در دست گرفتن پرچم و شعار روشن "آزادی و برابری" هر چه زودتر حکومت اسلامی را به زیر کشید پیام من خیلی روشن است. جامعه آزاد، جامعه ای که در آن برای وجود داشته باشد، جامعه ای که در آن زن و مرد برابرنند، جامعه ای که در آن کودک بی حقوق نباشد و سرکوب نشود، جامعه ای که در آن رفاه و شکوفایی هر فرد پیش شرط رشد همگان است، جامعه ای که در آن دست مذهب و خرافه از زندگی انسانها کوتاه شود و دیگر کسی زیر فشار مذهبی قرار نگیرد، این جامعه را تنها کمونیستها بر پا خواهند کرد برای رسیدن به زندگی واقعی، به برابری و آزادی به جوانان حکمتیست پیوندید

جوانان به یک سازمان و پرچم روشن سیاسی احتیاج دارند که نماینده رادیکالیسم واقعی آنها باشد یک جنگی شروع شده، یک جنگی بین جوانان و کلیت جمهوری اسلامی. جنگی که ابعادش فقط فرهنگی نیست. یک جنگ تمام عیار فرهنگی، سیاسی، اجتماعی با جمهوری اسلامی. بیست و شش سال است که قوانین قرون وسطایی حاکم است و امروز جوانان در یک شرایط سیاسی ویژه این جنگ را شروع کرده اند در عرصه فرهنگی به رژیم اسلامی "نه" می گویند و تا آنجا که زورشان می رسد دارند ارزشهای خورشان را می آورند و ارزشهای قدیم را زیر پا له می کنند در عرصه سیاسی، آزادیهای سیاسی بسیار بیشتری را می خواهند در عرصه اقتصادی تأمین اجتماعی و زندگی آینده شان را می خواهند و این را چه با چه خیابان آمدن و چه در مدارس و چه در دانشگاهها و محلات ابراز می دارند این جنگ نوید بخش یک آینده روشن و شیرین برای جامعه ایران است.

داریوش اسد پیش شرط تحقق خواسته هایی که مطرح کردید چیست؟

لیلا پیش شرطش قبل از هر چیز رفتن جمهوری اسلامی است. به نظر من زمانی که چنین نظام سیاسی در ایران حاکم است، تا زمانی که اسلام و خدا در جامعه

جوانان حکمتیست پیوندید





(از آرشیو مهرنوش موسوی)

# حقایق پشت حجاب رفراندوم!

## قدرت را از رژیم با رفراندوم نخواهند گرفت!

ما کمونیستها بیشتر از هر کسی میخواهیم که با کمترین مشقت جمهوری اسلامی شر خودش را از سر مردم و این جامعه و کل بشریت کم کند با وجود اشراف به این امر که به قول منصور حکمت عمل رادیکال و مستقیم توده مردم، فضای بهتر و بیشتری برای تئوری و برنامه انقلابی باز و مهیا خواهد نمود، ما مطمئنیم که حتی در یک انتخابات آزاد، با یک فرجه چند ماهه تبلیغاتی که همه احزاب بتوانند بدور از اختناق با مردم حرف بزنند، جمهوری سوسیالیستی و حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، انتخاب اول اکثریت قریب به اتفاق مردم خواهد بود این حزبی است که آرزو و آمال میلیونها نفر از مردم را نمایندگی و برای تحقق این خواستها به مدنیت و به اعمال اراده و رای مستقیم خود مردم متکی است. حزبی که نه کمر به اعاده اوضاع سابق و نه اصلاح وضع موجود بسته است. حزب کمونیست کارگری -

حکمتیست، حزب تغییر وضع موجود است و این خواست میلیونی مردم است. لذا بر این باوریم که چه از طریق راه حل انتخاباتی اگر فرض بگیریم که اتفاق بیفتد، و چه از طریق راه حل انقلابی، شانس و اقبال کمونیسم موجود و چپ جامعه ایران بیشتر از هر جنبشی است. اما واقعیت این است که تکلیف قدرت سیاسی در شرایط حاضر سیاسی ایران با رفراندوم یکسره نخواهد شد احزاب سیاسی در نوک جنبشهای اصلی جامعه به این واقفند حقیقتی که هم ما و کل قطب کمونیستی و چپ جامعه و هم بورژوازی، کل قطب راست و حتی خود رژیم نیز آن را میدانند اگر از جانب ما تاکتیک رفراندوم نقد و مورد افشاء قرار میگردد نه از این روست که چند و چون برگزاری آن، تعداد کرسی ها و شرایط انتخابات مورد مناقشه است، بلکه اساساً از این روست که نشان دهیم رفراندوم حیاتی است دور یک استراتژی سیاسی معین که قرار است با حذف نظر، رای و اراده مردم، راست بورژوازی را در اپوزیسیون از طریق کودتا و زد و بند از بالا به قدرت برساند و یا از منظر محافل درهم ریخته

دوم خرداد مدافع آن، چند صباحی فرصت بخرد مهم این است که همه رفراندوم طلبان روی خواص غیر عملی آن بیشترین سرمایه گذاری را کرده اند مطلوبیت سیاسی این تاکتیک برای اردوی راست بورژوازی از قضا و بر خلاف تصور بسیاری، در اجرا نشدن و عملی نشدن آن به عنوان روش تعیین تکلیف قدرت است. رفراندوم آن جتری است که قرار است کودتاها و زد و بندهای بالای سر مردم و عقیم کردن جدال سیاسی جاری در جامعه را محکمه پسند و شریط را برای چنین روزی مهیا کند از سوی خود رفراندوم طلبان جنبش ناسیونالیسم پرو غرب به کرات سخن از برگزاری رفراندوم در فدای تکلیف روشن شده قدرت سیاسی است. اما واقعیت این است که نه جمهوری اسلامی حکومت شاه را با رفراندوم ساقط و در نتیجه رای و نظر آزادانه مردم به سرکار آمد و نه شاهزاده، مدعیان سلطنت و اعاده اوضاع سابق، رفراندوم طلبان و حتی حفظ وضع موجودهای دوم خردادی امروز، با وی چنین خواهند کرد جریاناتی که ولو تحت فشار مردم، حتی اگر رضایت به یک انتخابات دهند، بدون تردید و ذره ای توهم باید گفت که به هیچ عنوان نتیجه چپ منتج از آن را تحمل نکرده و یک روز پس از پیروزی چپ در انتخابات، کاری را خواهند کرد که از همان روز اول مترصد آن بودند، یعنی کودتا! یعنی زدن زیر رای مردم!

خودشان این واقعیت را میدانند و به همین خاطر است که توهمی به این نداشته و ندارند که قدرت سیاسی را قبل از برگزاری رفراندوم و از بالای سر مردم و در همدستی با آمریکا و غرب باید بگیرند رفراندوم خاصیت مشغول کردن سر خیلی ها تا آن روز را داشته و دارد در نتیجه بیهوده نیست که ما میگوییم احزاب و جریانات راست اپوزیسیون در کل تاریخ حیات سیاسی خود تا کنون به وسیله انتخابات سرکار نیامده اند که در ایران و آن هم با وجود یک جنبش به شدت هوشیار در صحنه، بخواهند این بار مبادرت به این کار کنند تاریخ سرکار آمدن شاهان و یا حکومتهای سرمایه داری چه پرو غربی و آمریکایی و یا غیر در کل دنیا مملو از زد و بند و کودتا و پروسه های بالاست. به جز این هم راهی نداشته و ندارند شعار رفراندوم از سوی این جریانات با وجود شکل کلی و رازآلود آن، حلقه ای در یک استراتژی معین سیاسی است که نتیجه سیاسی امروز آن

بسیار حائز اهمیت و مد نظر است و نه حتی الزاماً نتایج حاصل از آن در فردا!

## رفراندوم، بدون التزام به بی قید و شرط بودن آزادیهای سیاسی

تقریباً تمامی رفراندوم طلبان سیاسی ایران از ناسیونالیسم پرو غرب تا ورشکستگان دوم خرداد یک پاشنه آشیل مهم دیگر در این سیاست خود دارند و آن هم عدم التزام به بی قید و شرط بودن آزادی سیاسی، بیان عقیده، تشکل و تحزب و اعتصاب، آزادی مذهبی و بی مذهبی و آزادی و برابری کامل زن و مرد است. معلوم نیست چگونه قرار است به آراء مردم رجوع شود وقتی که این جریانات نه خود به این امر التزام داده و نه به مفاد این خواسته های پایه ای معتقدند دفاع از حقوق بشر و یا کلامهای کلی و راز آلود در وصف دموکراسی هنوز هیچ حرفی از التزام و اعتقاد به آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی نمیگویند نمیتوانند و نمیخواهند که به این خواسته ها التزام دهند رفراندوم ولو اینکه برگزارش کنند، تا مادامی که مردم ایران در بیان آراء و عقاید خود و تبدیل آن به حکم رسمی مملکت آزاد نیستند، نه فقط ریاکاری است بلکه خود، زیر آب این تاکتیک به مثابه تعیین شکل حکومت بر مبنای رجوع به آراء مردم را میزند و عمق سفسطه بازی آن را برملا میکند هر کسی ادعای شیوه مسالمت آمیز سرنوشتی حکومت و یا تغییر آن را دارد، قبل از هر چیز باید به خواست و اراده ۷۰ میلیون مردم ایران احترام و به آن گردن بگذارد آزادیهای بدون قید و شرط سیاسی و آزادی و برابری کامل زن و مرد، در ضمانت دادن و التزام به پایبندی به این خواستها محک مهم اهداف و خواستههای سیاسی آنان است.

## رفراندوم ضد تاکتیک و ضد روش کدام جنبش در مواجهه با واقعیت است؟

رفراندوم در ادامه و همزمان با شکست، فروپاشی و افول دوم خرداد از یکسو و شدت گرفتن ضرب مبارزه مردم، بروز اشکال نوینی از اعتراض و عمل مستقیم آنها و چشم انداز قابل دسترس سرنوشتی رژیم از سوی دیگر به میدان آورده شد شکست و افول دوم خرداد حائل سیاسی دور رژیم را برداشته و به قول

عبدی فضا برای خریدن کالای رادیکالتر در بازار جامعه سیاسی ایران آماده شد جنبشی که قرار بود به قول ایشان ضرب زمین لرزه ۷ ریشتری را با لرزه های ۲ ریشتری بگیرد، خود شکست خورده، رسوا شده، آبرو باخته و تاریخ مصرفش گذشته بود تاریخ و موعد لرزش زمین سیاسی در ایران در مقیاسی وسیع، روز به روز نزدیکتر و نزدیکتر میشود دو جنبش سیاسی اصلی در مقابل جمهوری اسلامی اوضاع را به مصاف میطلبند جنبش کمونیسم کارگری یعنی جنبش تغییر وضع موجود از یکسو و جنبش ناسیونالیسم پرو غرب و اعاده اوضاع سابق از سوی دیگر. شکست دوم خرداد و اشتیاق و تمایل مردم از دست بردن به عمل انقلابی در این یا آن تعرض سیاسی وسیع، به سرنگون کردن و پایین کشیدن رژیم، به چپ و کمونیسم میدان بیشتری در طی همین یکی دو سال اخیر داده است. چپی که از جمله در زدن کلیت رژیم اسلامی و افشاء و نقد دوم خرداد جلودار صحنه و در کارنامه آن ثبت شده است. جنبشی که پرچم سرنگون کردن رژیم از طریق تأمین خواستها و مطالبات بدون تخفیف مردم از سویی و تأمین حضور سیاسی و دخالت گسترده و رادیکال مردم در صحنه روز به روز وی را از مقبولیت بیشتری برخوردار میکند شعار رفراندوم قبل از اینکه ضرورت و مطلوبیت خود را در تقابل با رژیم اسلامی پیدا و تعریف کند، ضد تاکتیک مقابله با خطر گسترش همین چپ و همین جنبش و خط قرمز آقای حجابیان است. هم از سوی بقایای دوم خرداد و هم از سوی جریانات ناسیونالیسم پرو غرب، در ادامه تلاش برای مهار و کنترل مردم و ممانعت از پیشروی این جنبش، طراحی و تبلیغ شده و میشود رفراندوم ضد تاکتیک انقلاب و حضور مردم در صحنه و ضد روش چپ و رادیکال حضور مردم در صحنه است. با وجود تفاوتی که میان این جریانات وجود دارد، یکی رفراندوم را در شرایط بودن جمهوری اسلامی و در ادامه پروژه دوم خرداد برای اصلاح و جرح و تبدیل رژیم و دیگری برای بیمه کردن زد و بند و کودتای خود برای برانداختن حکومت و مشروعیت بخشیدن به شکل حکومتش در فردا و اعاده اوضاع سابق میخواهد، تفاوتها هر چه باشد، هر دو در یک امر متفق السیاست هستند این یک حلقه مهم در استراتژی این نیروها برای جلوگیری و تقابل با قیام و انقلاب و خواست کسب قدرت سیاسی از سوی

حزب ما و پایه آن در جامعه است. مقابله با خواست تغییر اوضاع است. مقابله با خطر کمونیستی شدن ایران است. رفراندوم ادامه منطقی نافرمانی مدنی، تسامح و تساهل، تمدد و تعرض با رعایت امنیت و قانون کشور و آن زنجیره تاکتیکی بود که اولین پیام آن به مردم، کوتاه آمدن، کرنش در مقابل قدرت بورژوازی و واگذاری رای و تصمیم گیری سیاسی به راست و جنبش و احزاب سیاسی نماینده آن است.

در همین رابطه باید افزود که آنچه حلقه اتصال جریان دوم خرداد درون و بیرون حاکمیت در طرح رفراندوم با رضا پهلوی و جریان ناسیونالیسم پرو غرب میباشد، اساس این استراتژی و نظریه سیاسی است که اولاً تغییر مکانیسم قدرت سیاسی در جامعه را بدون دخالت سیاسی مردم و با حذف مبارزه و مطالبات آنها طلب میکند خود، فلسفه وجودیش را از نبودن مردم در صحنه، از کوتاه آمدن سطح انتظار و توقع کارگران و مردم از دست بردن به قدرت سیاسی و کنار گذاشتن آنها میگیرد و دوم اینکه، گویی دولت موقت، خود حتی در صورت وقوف به رای و نظر مردم، مقاومت صف مقابل را تماماً در هم نخواهد شکست. محافل توده ای و اکثریتی و جریانات ورشکسته و آبرو باخته دوم خرداد منجی این استراتژی در صحنه سیاسی امروز ایران هستند و ناسیونالیسم پرو غرب ضامن آن در فردای سرنگونی است. این یکی امروز میخواهد آن را اصلاح و مردم را به پذیرش رفراندوم راضی کند، دیگری فردا این رسالت را به عهده دارد. رفراندوم پرچم کم توقع کردن مردم در پروسه سرنگونی است. پرچم رفراندوم از جانب جریاناتی و در زمانی به صحنه آورده میشود که میدانند سرنگونی رژیم اسلامی و خیزش ضد مذهبی مردم علیه حکومت و جارو کردن بساط کل این رژیم، یک دستور ایزکتیو این جنبش است. میدانند که اوضاع امروز ایران با هیچ کشوری از یک حیث، آن هم شبح کمونیسم و چپ موجود جامعه، قابل مقایسه نیست. میدانند که کوچکترین ترکی و شکافی در اختناق موجود، کمونیسم ایران را در قرن بیست و یک، در یک مقیاس میلیونی توده ای و با قدرتی شگرف مواجه میکند همین امروز دستور روی میز همگیشان مقابله با این جریان نوین جامعه ایران و این زمین لرزه عظیم سیاسی است که نه فقط در ایران بلکه کل منطقه را با تکانههای شدید مواجه خواهد نمود. افق انقلاب بلشویکی اوائل قرن حاضر را

مقابل جهان حاضر گشوده خواهد کرد. رفراندوم قرار است با کل کمین سیاسی، ایدئولوژیک و اخلاقی پشت صحنه آن، پاسخی باشد برای خلاصی از دست این کمونیسم و رادیکالیسم منتج از سیاستهای آن و فراخوان مستقیمش برای سرنگون کردن رژیم بوسیله در صحنه بودن مردم و انقلاب بر حق خود آنها در مورد جریانات دوم خرداد درون حکومت و وابسته به آن و در مورد شاخه های رفراندوم طلب جمهوری اسلامی، خیلی روشن و واضح است که این تقلاهی از سر استیصال و ورشکستگی است تا مادام که جمهوری اسلامی در ایران حکومت میکنند، فقط ابله ترین جریانات میتوانند به این دلخوش کنند که گویی این رژیم خود در یک روز آفتابی برای بردنش، بساط رفراندوم را پهن خواهد کرد در باره اینها فقط میتوان گفت که شکست پروژه شان آنها را به حماقت نیز کشانده است. این جریان فقط از مردم تمسخر تحویل میگیرد.

## رفراندوم طلبی

### ناسیونالیسم پرو غرب!

در میان نیروهای اپوزیسیون رژیم، سلطنت طلبان، اعاده اوضاع سابقی ها و یا جنبش موسوم به ناسیونالیسم پرو غرب که پرچم رفراندوم را بلند کرده اند، آنچه حائز اهمیت است اینکه خودشان میدانند که قرار نیست رفراندومی برگزار شود و قدرت سیاسی را پس از آن و با رجوع به آراء عمومی تحویل آنها بدهند قدرت را با کودتا و زد و بند از بالا اول میگیرند و بعداً از بالای سر مردم، تازه اگر «مقتضیات مملکت» و «امنیت» و ملاحظات مربوط به «احتراز از خشونت» اجازه بدهد، با برگزاری یک رفراندوم به آن مشروعیت قانونی ببخشند از مردم رأی میگیرند که **شکل حکومتشان** سلطنت باشد یا جمهوری، آری یا نه! با این شوخی که گویا کسانی که در قدرتند و برگزار کنندگان رفراندوم هستند، در صورت نه مردم، به راحتی و با احترام تمام به رای و اختیار مردم، قدرت را تقدیم و تحویل آنها خواهند کرد. از قدرت کناره خواهند گرفت. قدرت را تحویل خواهند داد. تمام درد دل آنها این است که اول مثل کرزای بر سرکار آورده شوند تا بعداً، آنها که از آسیاب افتاد یک لویه جرگه ایرانی برپا کنند با این تفاوت که شاید اسم این یکی شیکتر و دهن پرکن تر است. گله رضا پهلوی در مصاحبه چند ماه پیش با رادیو صدای ایران از عدم تمایل نیروهای اپوزیسیون به اتحاد با

ایشان، این است که اپوزیسیون عراق را نشان مردم داده و میگویند نمیشود که ما مدام آمریکا را مقصر قلمداد کنیم چه کرده ایم که کسی به سراغ ما بیاید در میان رفراندوم طلبان جریان دوم خرداد البته، تکلیف قدرت سیاسی فی الحال موجود و متمرکز در دست رژیم در جریان برگزاری رفراندومشان علیرغم هر گونه مشاطه گری روشن است، در آن دیگری، اینکه برگزار کنندگان رفراندوم پس از سرنگونی رژیم چه کسانی هستند، با تردستی زیرکانه ایی مسکوت و به حاشیه رانده میشود.

پاسخ به این سؤال دم خروس این آلترناتیورا که فرض گرفته شده برملا میکند رضا پهلوی به مردم نمیگوید که برگزار کنندگان رفراندوم فرضی ایشان خود در قدرتند، ولو موقتاً. در جریان و در پروسه معینی قادر شده اند حکومت را بیندازند و در قدرت قرار بگیرند، و رفراندوم فقط قرار است، تازه اگر برگزاری کنند، فقط شکل و شمایل حکومت را به طور صوری تعیین و تثبیت کند. در رفراندوم پیشنهادی آنها، قبلاً تکلیف قدرت بوسیله کسانی که رفراندوم را قرار است برگزار کنند، سئوالات را تعیین کنند، رادیو و تلویزیون را در دست دارند، ارتش را حافظ امنیت و نظم کشور در جریان برگزاری رفراندوم کنند، همگی تعیین شده است. بیهوده نیست که نه قبل و نه بعد از رفراندوم تا کنون در این تصویر هیچ حرفی از برقراری و التزام به بدون قید و شرط بودن آزادی بیان و تشکل و تحزب و اعتصاب و اعتراض در میان نیست. رفراندوم آنها قرار نیست در یک فضای خالی اتفاق بیفتد حتی اگر به قول خودشان سازمان ملل و نیروهای آن بر نحوه برگزاری رفراندوم نظارت کنند و این فرض را از خود اینها بپذیریم، سؤال اصلی این است، چه کسی بدو در قدرت است؟ چه کسی میهماندار نیروهای سازمان ملل در مملکت خواهد بود؟

به ظاهر در این تاکتیک بر سر چند و چون شرکت و دخالت مسالمت آمیز مردم گفتگو است، اما در واقعیت، کارگران و مردم قبل از رفتن به پای صندوقهای رای و رفراندوم، بازنده اصلی صحنه سیاسی اند.

## کمپین موسوم به قهر و

### خشونت نامیدن

### مبارزات مردم و رفراندوم

رفراندوم تصویر معینی را با توجه به پشتیبانی کمپین کلاسیک «ضد خشونت» به عنوان یک آلترناتیو مسالمت آمیز در جریان سرنگون کردن رژیم اسلامی جلو روی مردم قرار میدهد در چهارچوب این کمپین البته لیست اقدامات غیر مسالمت آمیز و بدون شک به این خاطر جواز سرکوب داده شده، نوشته و اعلام شده است، در این لیست هم اعتصاب کارگری «خشونت» است، هم تعرض مردم به مساجد و پادگانها، هم تظاهرات مجوز گرفته نشده، مارش مردم تهران برای گرفتن

**مرگ بر جمهوری اسلامی!** **زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**

صد و سیما و هم قیام و انقلاب این یک کمپین کلاسیک و شناخته شده و یک سلاح قدیمی بورژوازی علیه تئوری و راه حل انقلاب کارگری و کمونیستی برای تغییر وضع جهان موجود است. پشتوانه تئوریک و سیاسی این جریان بسی فراتر از تاریخ شدت گرفتن طرح آن در ایران، پس از فروپاشی جریان دوم خرداد است. یکی از پایه های اصلی رفتارندوم در نزد هر دو جنبش، این کمپین اصیل بورژوایی است. بدیهی است که تنها کسانی که در عصر سرمایه داری، کارگران و مردم زحمتکش را به تغییر اوضاع و انقلاب دگرگون کننده اجتماعی به تغییر اساس و منشأ مناسبات موجود یعنی لغو کار مزدی فرامیخوانند، کمونیستهای کارگری و مارکسی هستند جنبش های دیگر حتی جنبشهای موسوم به چپ، در عرصه بین المللی نیز، سالیهاست که فراخوان سیاسی به مردم ندارند خود و تلاش سیاسی برای تغییر را به هیچ می انگارند در دستگاه فکریشان برای تعدیل وضع موجود، نیازی هم به این فراخوان ندارند تحمیلات جنگ سردی بورژوایی در شکست انقلاب اکبر و مقصر نشان دادن کمونیستها این احزاب و جریانات را در بهترین حالت به زانده بدون تأثیر خود جنبشهای ناراضی این طبقه بدل کرده است کسب قدرت سیاسی تنها در جنبش کمونیسم کارگری مرکز و محور هر گونه تلاش سیاسی برای تغییر اوضاع محسوب میشود از همین رو، نظریه پردازان و سخنگویان بورژوازی، همانگونه که منصور حکمت در برنامه یک دنیای بهتر مینویسند "مارکسیسم و کمونیسم کارگری را متهم میکنند که مبلغ اعمال قهر و خشونت برای رسیدن به اهداف اجتماعی خویش اند واقعیت این است که این خود نظام بورژوایی است که از بنیاد بر خشونت سازمان یافته متکی است. خشونت علیه جان و جسم انسانها، خشونت علیه عواطف و اذنان آنها، خشونت علیه امید و تلاش آنها برای بهبود زندگی و دنیای خویش. نظام کار مزدی، یعنی اجبار هرروزه اکثریت عظیم جامعه به فروش توان جسمی خویش به دیگران برای امرار معاش، سرمنشأ و چکیده خشونت ذاتی این نظام است. زنان، کارگران، کودکان، سالخوردهگان، مردم مناطق محروم و عقب مانده تر در جهان، هر کسی حقی را مطالبه میکند و علیه ستمی بلند میشود، و هر کس و همه کس در جامعه موجود مهر تعلق به این و یا آن "اقلیت" به پیشانی وی کوفته شده است. قربانی مستقیم و هر روزه خشونت عریان نظام موجود است. جنگ و مردم کشی، اساساً در پی رقابت سرمایه ها و قطب های اقتصادی، در این نظام ابعاد خیره کننده ای پیدا کرده است.

کل این کمپین و کارزار سیاسی و اخلاقی و ایدئولوژیک یک ریاکاری تهکارانه است. رفتارندوم مطرح شده در ایران، محصول و یک نتیجه این کارزار قدیمی در شرایط جدید است. رفتارندوم خود تصویرگر یک مقطع مشخص است، اما زرادخانه تبلیغی سیاسی و چهارچوب ایدئولوژیک "ضد خشونت" آن هم برای شرایط قبل و هم برای بعد از رفتارندوم مورد مصرف دارد. قرار است برای احتراز مردم از قیام و انقلاب، که قبلاً با مهر خشونت طلبی محکوم اعلام شده است، در یک روز آفتابی به رفتارندومی که برای آنها از بالا سازماندهی و طرح شده است، حکومتی که محصول قیام و مبارزه آنها برای خلع ید حاکمان نیست، ادامه حمله به ارتش و برجیدن بساط پادگانها نیست، ادامه خلع سلاح نیروهای سرکوبگر نیست، ادامه بازکردن در زندانها نیست، ادامه و ضمانت در هم کوبیدن تلاشهای ارتجاعی پس از قیام علیه قوم پرستی، علیه اعاده اوضاع توسط دستجات مذهبی و در هم کوبیدن مقاومت آنها نیست، بلکه ادامه جنبش مردم سر به زیر، کم توقع و مشغول رعایت امنیت و موازین قانونی است، کت بسته به کسانی که قدرت را دست نخورده و از بالای سر آنها با زرد بند تحویل گرفته اند آری بگویند و به خانه هایشان برگردند تا یک دور دیگر و در خلوت حضور سیاسی آنها، چنان نظمی برقرار شود که خشونت بی سابقه تر، پیش شرط راه انداختن یک دور دیگر سود آوری و انباشت سرمایه شان باشد چنان که حتی تقاس بودن دیروزشان را در صحنه هم، برای ۵۰ سال بعد به حاکمان جدید پس بدهند.

## قیام و انقلاب

رفتارندوم و استراتژی نهفته در آن و کمپین و کارزار سیاسی ضد کمونیستی و ضد انقلابی پشتوانه آن، فقط مورد مصرف امروزی ندارد کارگر، زن و جوانی که با این کمپین از صحنه بیرون رانده شده و خاموش شود، در فردای برگزاری احتمالی چنین رفتارندوم حکومتی، پیشاپیش خلع سلاح شده، هیچ گونه اختیاری برای دفاع از خود و دستاوردهای مبارزه خود در مقابل هجوم سازمان یافته سرمایه داری ندارد این نسخه ایی برای امروز و فردای تعیین تکلیف قدرت سیاسی در مقابل مردم و از روی تلی از اجساد به خون غلطیده است. رفتارندوم و تاکتیکهای به ظاهر مسالمت آمیز جنبش ناسیونالیسم پرو غرب، دوم خرداد درون و خارج حکومت و چپ سنتی، نسخه هجوم مجدد و خشونت سازمان یافته دیگری تحت لوای جدید است. تدارک سناریوی دیگری برای تحولات سیاسی آتی در ایران است. طرح این شعار در ایران به ۱۰ سال پیش بر نمیگردد این شعار را

تکنولوژی سلاحهای انهدام و کشتار جمعی از تکنولوژی تولید به مراتب پیشرفته تر است. زرادخانه بورژوازی در سطح بین المللی برای انهدام چندین و چندباره کل کره ارض کافی است. این نظامی است که سلاح های مخوف اتمی و شیمیایی را عملاً علیه توده مردم بکار برده است. و بالأخره علاوه بر همه اینها، جامعه بورژوایی میتواند به پیشرفت خیره کننده اش در تبدیل جنایت، قتل و تعدی و تجاوز به امری عادی و هر روزه در زندگی عموم مردم مفتخر باشد.

کمپین بین المللی ضد کارگری و ضد کمونیستی، تحت نام احتراز و ضدیت با خشونت، ابتداء با خشن قلمداد کردن مبارزه مردم، بر سر بنیان اصلی و بنیادهای خشونت در جامعه حاضر آب پاکی میزند، تا سپس، مردم و قربانیان این خشونت سازمان یافته را خشن قلمداد کند، بر تلاششان از اعتصاب تا قیام مهر خشونت و قهر طلبی میزند تا در ادامه آن، جواز سرکوب و یا مهار و کنترلشان را صادر کنند انقلاب را به خون میکشید و برای مایوس کردن مردم، مصائب ناشی از آن را هم پای بریادارندگانش مینویسند در محور این کمپین ضد کمونیستی و ضد کارگری، هیولا نامیدن و اسم رمز کردن "دیکتاتوری پرولتاریا" و "انقلاب" قرار دارد امروزه همه کارگران و مردم میدانند که با وجود رنگ باختن این تبلیغات پسا جنگ سردی علیه کمونیسم و اختیار و اراده کارگر در جامعه، حتی در دمکراتیک ترین نظامهای سرمایه داری جهان "غیرقانونی" نامیدن و "خشونت آمیز" نامیدن یک اعتصاب، یک تظاهرات، یک پیکت، یک اقدام اعتراضی توده ای، یک جنبش سیاسی معین، از سوی پلیس، مقامات اداره امنیت و کشور، بی بی سی و سی ان ان چه معنی دارد. جواز سرکوب کدام جنبش و کدام طبقه است، میدانند که اعلام به خون کشیدن چه کسانی است.

خشن جلوه اش میدهند تا با خشونت تمام در معیت قانون و مدنیت خودشان و همراهی کارتل های دروغ پردازی و خبریشان به خونش بکشند، حمام خون را هم به گردن بریادارندگانش بیندازند در این کمپین ضد خشونت بورژوایی، انقلاب و قیامی را سراغ ندرید که نه به عنوان خیزش بر حق مردم که مهر خشونت به آن زده نشده و معرفی نشده باشد. آخرینش قیام و انقلاب بر حق، اما به خون کشیده ۱۵۷ ایران است. در کتب تاریخی مدارس و دانشگاههایشان از تاریخ ما به عنوان تاریخ خشونت یاد میکنند و آموزش میدهند سلطنت طلبان در سالگرد قیام بهمین لباس عزا میپوشند

جالب اینجاست که از هر دو سوی سینه چاکان رفتارندوم، هم سران و شخصیتهای جنبش ناسیونالیسم پرو غرب، و هم مصلحین ورشکسته حکومت اسلامی، خود پرورنده خشونت ضد کارگری و ضد کمونیستی جنبششان سنگین و سیاه است. این یکی زندان اوین و ساواک را ساخته و آن یکی دست نخورده تحویل و پرتو از قیل کرده است. آن یکی از همین امروز چکمه هایش را با گرز "ایران هرگز تجزیه نمید" پوشیده و قیانتها را سر شانه زده است، آن دیگری افتخارش این است که کاری را که شاه در بهمن ۵۷ نتوانست به فرجام برساند، در ۳۰ خرداد ۶۰ به پایان رساند. ۱۷ شهریور را به ۳۰ خرداد ۶۰ وصل کرد. به ارتش و ساواک، سپاه و بسیج و اوواک را هم اضافه کرد. آن یکی در سالگرد قیام مردم در ۲۳ سال پیش هنوز لباس عزا میپوشد، این یکی، لرزه به اندام و جوارحش افتاده روز و شب از آمدن نیروی سوم و چگونگی مقابله و دفع آن صحبت میکند خودشان از مسابقه خشونت علیه کارگر، علیه مردم گوی سبقت را از هم ربوده اند جنبششان در اساس بر مبنای چگونگی اعمال خشونت سازمان یافته، حکومتهایشان را بر تلی از اجساد به خون غلطیده کارگران مبارز، انقلابیون و کمونیستها بر پا کرده اند.



## تلویزیون حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست شروع به کار می کند!

تلویزیون حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، تلویزیونی چپ، رادیکال، آزادیخواه و برابری طلب است. برنامه های این تلویزیون را ببینید و دیدن آن را به همه دوستان و آزادی و برابری توصیه کنید. تلویزیون حزب کمونیست کارگری - حکمتیست تریبونی از آن همه کسانی است که در خفقان اسلامی به دنبال رسانه ای باز و حقیقت جو می گردند. این برنامه ها به زودی هر دوشنبه ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ شب به وقت تهران (۷ تا ۹ شب به وقت اروپای مرکزی و ۱۰ تا ۱۱ صبح به وقت امریکای شمالی) از کانال یک پخش می شود. این برنامه ها سه شنبه ها ساعت ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ صبح به وقت تهران (۷ تا ۸ صبح به وقت اروپای مرکزی) مجدداً پخش می شود.

مشخصات کانال:

**Telstar 12, Freq:**  
**11494.5 MHz,**  
**Polarity: Vertical, Sym**  
**Rate: 17, 4687ms inf**  
**Rate: 24, 148Mbps,**  
**Video PID 1760, Ahdio**  
**PID 1720**  
**FEC: 3/4**

برای شنیدن برنامه روز رادیو پرتو به این سایت مراجعه کنید:  
[www.radiopartow.com](http://www.radiopartow.com)

از سایت سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست دیدن کنید:  
[www.sjk-hekmatist.com](http://www.sjk-hekmatist.com)

از این سایت ها دیدن کنید:  
[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)  
[www.iskraa.com](http://www.iskraa.com)  
[www.m-hekmat.com](http://www.m-hekmat.com)  
[www.rahai-zan.com](http://www.rahai-zan.com)

## تماس با سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

دبیر سازمان: بهرام مدرسی  
[bahramsjk@yahoo.com](mailto:bahramsjk@yahoo.com)  
تلفن: ۰۰۴۹۷۸۹۴۴۰۲۰۱  
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۲۲۶۱۲

سردبیر: فواد عبداللہی  
[foadsjk@yahoo.com](mailto:foadsjk@yahoo.com)  
تلفن: ۰۰۴۹۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

مشاور سردبیر: محمد فتاحی  
[m.fatahi@ukonline.co.uk](mailto:m.fatahi@ukonline.co.uk)

مسئول خارج کشور: جمال کمانگر

[jkamangar@yahoo.com](mailto:jkamangar@yahoo.com)  
تلفن: ۰۰۴۹۷۸۹۴۷۶۵۶۶۱۹

مسئول مالی: نسیم رهنما  
[nasimrahnamadk@yahoo.com](mailto:nasimrahnamadk@yahoo.com)  
تلفن: ۰۰۴۹۷۸۹۲۴۲۴۵

رجوع به آراء و احترام به مطالبات مردم بیهوده است.

اوضاع به هر شکلی که پیش برود معیار و محک امروز مردم برای شناخت دوست و دشمن التزام به این خواسته های حداقل مردم است. کسی که همین امروز از التزام به این حداقل سرباز زند، معلوم است که فردا چه خواهد کرد. این حباب همین امروز ترکیده است. حقایق هویدا شده، راه مردم برای یک انتخاب رادیکال و اصیل هموار شده است.

اعتصاب و اعتراض و تشکل و تحزب وجود ندارد هیچگونه التزامی به به رسمیت شناختن حق مبارزه برای لغو کار مزدی وجود ندارد هیچگونه ضمانتی به خواست جنبش ضد مذهبی و سکولاریستی مردم وجود ندارد، تا مادام که جدایی مذهب از دولت به رسمیت شناخته نشده و با خواست آزادی بی مذهبی توأم و تکمیل نشود تا زمانی که به خواست میلیونی مردم در رابطه با آزادی و برابری زنان به عنوان یک اصل مهم ملتزم نشوند، صحبت از

خشونت ۲۳ ساله و تداوم آن به زیر کشیدن این حکومت و خلع ید کردن آن به وسیله انقلاب مردم است. حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در رأس جنبش سرنگونی طلب مردم، تمام تلاش خود را و تمام درایت سیاسی خود را به همراه رهبران عملی کارگری و رهبران جنبش های توده ایی مردم به کار می بندد تا با کمترین صدمات و لطامات به مردم، این حکومت هار خلع قدرت شود. یگانه راه جلوگیری از استمرار خشونت در ایران پایان دادن به عمر این حکومت، دخالت و حضور سیاسی مردم در صحنه و گرفتن قدرت سیاسی است.

## محک امروز!

پروسه سرنگونی رژیم اسلامی بدون تردید، پیچیده تر از این خواهد بود که در قیام ۵۷ شاهد بوده ایم سیاست انقلاب کارگری باید خود را در پروسه سرنگونی رژیم برای همه و هر گونه سناریوی آماده و بهترین و مطلوبترین شرایط را برای تحقق خود پیدا کند باید برای بدترین سناریو آماده بود و برای بهترین کار کرد چه رژیم فروپاشد، چه حتی بطرق سناریوی سیاه جامعه مورد مخاطره قرار بگیرد و یا از طریق غرب راه حل های وسطی ارائه شود، رهبری کمونیستی کارگری و چپ جنبش سرنگونی قطب نمای خود را به سوی انقلاب و فراهم آوردن شرایط تحقق آن گرفته است. پیشرویهای کنونی باید غیر قابل برگشت شوند و پیشرویهای آتی باید طرح و به سیاست رسمی جنبش و تحرکات مردم بدل شوند این یک حلقه مهم پیشروی ماست. هیچ گونه رجوعی به آراء مردم چه امروز و چه فردا نمیتواند صورت بگیرد وقتی که التزام به بی قید و شرط بودن آزادیهای سیاسی، آزادی بدون قید و شرط

تشکیل میدهد اگر مطالبه اضافه دستمزد یا آزادی بیان در این جامعه پای دولت و پلیس و ارتش را به میان میکشد، میتوان تصور کرد که تلاش برای خلع ید اقتصادی و سیاسی از بورژوازی با چه عکس العملی و مقاومت قهرآمیزی روبرو خواهد شد خشونت بورژوازی و دولت او علیه انقلاب کارگری، علیه اراده اکثریت عظیم مردم که زیر پرچم طبقه کارگر برای برقراری یک جامعه نوین به پا میخیزند امری عملاً اجتناب ناپذیر است" از همین رو ما کمونیستها به کارگران و مردم اعلام کرده ایم که خواهان به زیر کشیدن جمهوری اسلامی از طریق یک انقلاب و خیزش عظیم توده ایی هستیم ما آن نوعی از سرنگونی رژیم را که ضامن به قدرت رسیدن کارگران، کمونیستها و خلع ید کامل حکومت باشد، بی دردسر ترین و رادیکالترین سناریوی سفید سرنگونی رژیم میدانیم ما هدف خود را تحقق این سناریو قرار داده ایم ما خواهان گسترش و تعمیق جنبش سرنگونی طلب مردم تا پیروزی کامل هستیم حزب ما این پیروزی را معنی کرده است. این پیروزی فقط به معنای سرنگون کردن جمهوری اسلامی و هزینه کردن تلاش و قیام مردم برای قدرت گیری مجدد احزاب و جنبش های طبقات دیگر نیست، بلکه ما گفته ایم که اگر حزب ما در رأس جنبش و با قدرتیگری شوراهای کارگری و توده ای مردم به قدرت نرسد، در هم شکستن تلاش های سرمایه داران و دولت و جنبش هایشان در مقابل انقلاب و قیام مردم از پایین عملاً سخت و پر هزینه خواهد بود. کمونیستها و کارگران باید قدرت را تصرف کنند تا هم قیام به پیروزی برسد و هم تلاشهای سیاسی و نظامی ارتجاع شکست خورده برای اعاده اوضاع سابق در هم شکسته شود ما خواهان برپایی انقلاب کارگری هستیم جمهوری اسلامی را نمیتوان اصلاح و نه بتدریج از قدرت ساقط کرد و نه ساقط کردن آن از بالا در جهت خواست و منافع مردم است. تنها راه جلوگیری از



سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست

Youth Communist Organization - Hekmatist

